

او پر تلاطم مانند دریاست در موسم باد  
او مثل رود است ، پاک خروشان ، لبریز فریاد  
در دستهایش ، سنگ است امروز ، در قلبش امید  
غرق نگاهش ، فردا دوباره ، خواهد درخشید  
اکنون اسیر است در دست دشمن ، کاشانه او  
افکنده سایه ، ظلم و سیاهی بر خانه ی او  
اندوه و ماتم در سینه دارد ، در مشت طوفان  
داغ جدایی ، در چهره دارد ، در چشم باران  
( فردا دوباره ، با دست و طوفان ، لعن است و فریاد  
بیت المقدس از کوشش او خواهد شد آزاد ) ( ۲ )  
خواهد شد آزاد ، خواهد شد آزاد